

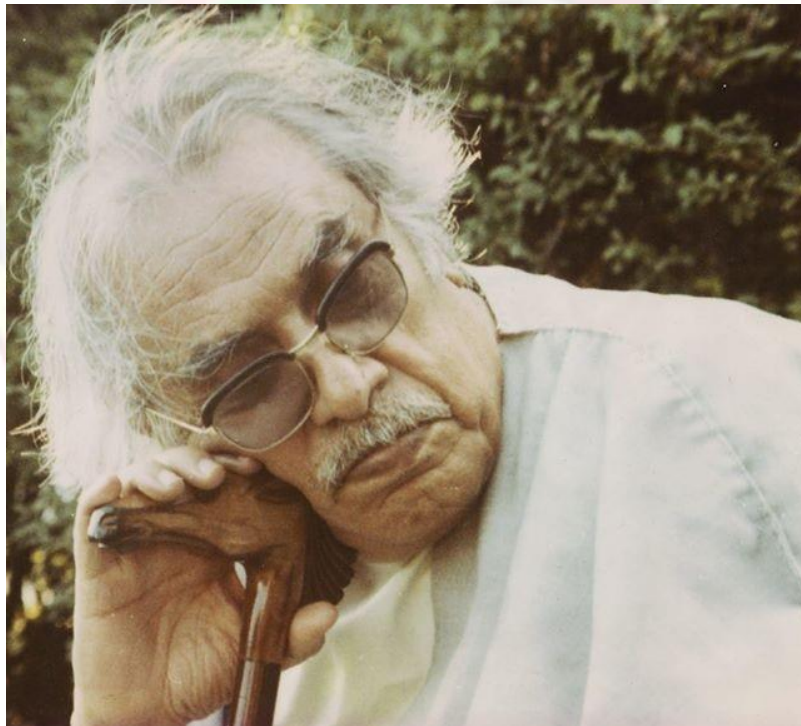


۲۰۱۶/۰۳/۳۱



ولی احمد نوری

با ورود سال ۲۰۱۷ میلادی  
از تولد فرخنده "ملک الشعراء" استاد خلیل الله خلیلی  
سالار شعر و ادب افغانستان و منطقه در قرن بیستم  
یک صد و نه سال می گذرد



استاد بزرگوار خلیل الله خلیلی "خلیلی افغان" سالار شعر و ادب افغانستان و منطقه در قرن بیستم، یک صد و نه سال پیش در سال ۱۲۸۶ هجری شمسی - ۱۹۰۷ میلادی (۱۲۹۳ هجری قمری) در باغ "جهان آرای" (۱) در اقامتگاه

۱- (جهان آراء) در زمان امپراتوری "بابر" در افغانستان نام باغی بود که در کنار دریای کابل از طرف "بابر شاه" برای خواهرش (جهان آراء بیگم) اعمار شده بود. و نامش را به نام خواهر خود گذاشته بود. در بین آن باغ بزرگ عمارت عظیم و مجلی ساخته شده بود. در زمان سلطنت امیر حبیب الله خان سراج الملک والدين در کنار آن باغ جاده "اندرابی" اعمار گردید و این باغ و عمارت آن بنا بر خدمات وطن پرستانه میرزا محمد حسین خان مستوفی الممالک (پدر معظم استاد خلیلی) از طرف پادشاه افغانستان اهداء گردید. استاد خلیلی بزرگ در همین عمارت و در همین باغ تاریخی به دنیا آمده است. در وقت سلطنت امان الله خان میرزا محمد حسین خان مستوفی

مجله پدر مرحومش جناب مستطاب میرزا محمد حسین خان "مستوفی الممالک" وزیر مالیه اعلیحضرت حبیب الله خان "سراج الملت والدین" در باغ "جهان آراء" شهر کابل به دنیا آمد.

مراسم بزرگداشت مجلی برای یک صدمین سال تولد این سردار شعر و ادب دری "ملک الشعرا افغانستان" در زمان حکومت حامد کرزی با حضور داشت اعلیحضرت محمد ظاهرشاه در شهر کابل پایتخت افغانستان از طرف دولت افغانستان برگزار شد.

وی که به نام استاد خلیلی مشهور بود در سنین طفولیت والدینش را از دست داد و جبراً مدرسه را نیمه کاره رها کرد. او سال های نوجوانی خود را در کوهستان های اطراف کابل و بلخ گذرانید.

"خلیلی افغان" در سالیان خدمت صادقانه به وطن و وطندارانش به مناصب عالی ای همچون معاون پوهنتون کابل، سرمنشی مجلس عالی وزراء، ریاست مستقل مطبوعات، مشاوریت مطبوعاتی اعلیحضرت محمد ظاهرشاه، وکیل ولسی جرگه دولت شاهی افغانستان و سفارت کشور ما در چند مملکت خارجی رسید، ولی مهمتر از این همه، موقعیتی بارز، برآورده و بی همتایی بود که ایشان در عالم فرهنگ ادب کسب نمود و به زودی نامدارترین شاعر معاصر افغانستان و منطقه شد.

استاد خلیلی افغان در سال های اواسط عمر پر بارشان، در اوج شهرت و مقامات عالی سیاسی و اداری، از سرودن شعر، تحقیق و شرکت در محافل و مجامع رسمی باز نماند.

با کودتای خانه برانداز و ویرانگر گروه های میهن فروشان حرفوی "خلق" و "پرچم" و برپایی حکومت کمونیستی و سپس تجاوز شوروی به افغانستان، خلیلی به صف مقاومت ملی پیوست و کوشید با شمشیر بران شعرش، با دشمنان افغانستان و استعمار شوروی مبارزه کند.

ایشان در پُست های اساس و حساس زیادی در دوائر دولتی افغانستان در داخل و خارج از کشور مصروف بودند. در اوایل دهه بیست شمسی به حیث معاون پوهنتون کابل (اولین پوهنتون با حیثیت علمی در افغانستان که به قرار راپورتاژ مطبوعات امریکا یکی از عالیترین پوهنتون های منطقه در آن وقت (سلطنت اعلیحضرت محمد ظاهر شاه) بوده است، مصروف کار علمی و فرهنگی به اولاد وطنش بود.

استاد خلیلی افغان پس از کودتای ننگین و خانه برانداز "هفت ثور" مدتی در مهاجرت به اروپا و امریکا به سر برد، سپس به پاکستان آمد و در کنار هزاران هموطن مهاجرش مسکن گزید و در این دوره مقاومت گرم مردمش برای دفاع از آزادی و تمامیت کشور و ناموس افغانستان، آثار قیمتدار زیادی به نشر سپرد که در هر خانه و محافل جهاد و مقاومت و حتی در سنگر های داغ جنگ آزادی بخش شنیده می شد.

---

الممالک که در زمان سلطنت حبیب الله خان در رأس وزارت مالیه افغانستان قرار داشت، نظر به طرفداری از پادشاه شدن سردار عنایت الله خان (کاکای امان الله خان) در جلال آباد بعد از کشته شدن امیر حبیب الله خان سراج در کله گوش لغمان به دست "شجاع الدوله غوربندی"، میرزا محمد حسین خان مستوفی الممالک (پدر معظم استاد خلیلی) به ناحق، ظالمانه و بدون محاکمه اعدام گردید. روحش شاد و یادش گرامی باد.

۲- "شجاع الدوله غوربندی" قاتل پادشاه شهید امیر حبیب الله خان سراج، پدر امان الله خان است، از طرف امان الله خان بعد از قتل پدرش به حیث وزیر داخله مقرر شد تا از هر نوع سوء ظن در امان باشد.

این شاعر در مجموع ۶۲ اثر منظوم و منثور در عرصه های مختلف هنر، ادب، سیاست، فلسفه و عرفان دارد که بیشتر شان در داخل و خارج از افغانستان به چاپ رسیده است.

استاد خلیل الله خلیلی در بهار ۱۳۶۶ هجری شمسی در اسلام آباد پاکستان در غربت و دوری از وطنش که آنرا می پرستید، چشم از جهان فرو بست.

چنانچه خود ایشان در مورد عشق بزرگ خود به وطن شان افغانستان چنین می نویسند. شما خواننده گرانقدر می توانید سطح عالی و آسمانی عشق استاد را به وطنش در ترازوی عدالت سنجش نمائید:

## داند خدا که بعد خدا می پرستمت

داند خدا که بعد خدا می پرستمت	هان ای وطن مپرس چرا می پرستمت
ذرات هستی ام ز تو بگرفته است جان	چون برتری ز جان، همه جا می پرستمت
در نیمه شب که باز کند آسمان درش	با صد هزار دست دعا می پرستمت
چون پر شکسته مرغ که از آشیان جداست	اینک ز آشیانه جدا می پرستمت
پیری نمود قامتم از بار درد خم	زاری کنان به قد دو تا می پرستمت
از شوق کوچه های گل آلود تنگ تو	در شهر شاخزن به سما می پرستمت
از یاد رود های کف آلود نعره زن	دیوانه ام به شور و صدا می پرستمت
از یاد مرغ های فلک تاز در هوا	با مرغ آرزو به هوا می پرستمت
از یاد آن چنار کهن سال سبز پوش	در پیش برگ برگ جدا می پرستمت
چون بوی گل به یاد تو ام می برد به باغ	با لرزش نسیم صبا می پرستمت
هر جا که مطربی کند از شوق نغمه سر	در پرده پرده ساز و نوا می پرستمت
بعد مکان اثر نکند در دیار عشق	ای دور از نظر به کجا می پرستمت
با آن همه مصیبت و زندان که دیده ام	با گونه گونه جور و جفا می پرستمت
ثروتمدار شهر سزاوار ذکر نیست	از بهر آن یتیم گدا می پرستمت
ارباب جاه در خور تعظیم نیستند	از یاد قوم برهنه پا می پرستمت
از یاد کشتگان به خون غرق گشته ات	در خون و اشک کرده شنا می پرستمت
از یاد آن که با لب شمشیر آبدار	صد بوسه داده روز دعا می پرستمت
از یاد سنگری که سرافراز مردمان	با خون خویش کرده بنا می پرستمت
در تنگنای زندگی و خوابگاه قبر	در عالم فنا و بقا می پرستمت
هم با حریر خامه و هم با زبان دل	هم آشکار و هم به خفا می پرستمت

وطن پرستی بزرگمرد شعر و ادب، ملک الشعراء خلیلی الله افغان را می توان از لابلای شعر بالا حدس زد و عشق مفرط او را به وطنش افغانستان قیاس نمود و به اراجیف و جفنگیات چند تن هرزه و بی ارزش اهمیت قائل نشد.

کاروان نام نکو، شخصیت کم همتا، وجدان پاک، تندیس شرف و وطن پرستی استاد خلیل الله خلیلی برای قرون متمادی به سرعت برق به آسمانها خواهد رفت. بگزار تنی چند که خود در منجلاب خیانت و جنایت و میهن فروشی تا گلو غرق اند، جف کنند!!

